



# امکان و امتناع

## پژوهش در حوزه

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لکزایی

حوزه علمیه نهادی سنتی است با پیشینه هزار ساله. این نهاد علمی افزون بر رسالت تبلیغی و ترویجی همواره کانون دانش و علم بوده است. میراث غنی و هنگفت حوزه‌های علمیه از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا به امروز همواره مورد توجه دانشمندان بوده است. پس از تأسیس و رواج دانشگاه به‌عنوان بدیل و رقیب نهاد سنتی در ایران حوزه‌های علمیه از دست‌آوردهای دانشی و روشی این نهاد جدید غافل نماندند. پژوهش در دانشگاه مبتنی بر روش‌های جدید مطالعاتی و با در نظر گرفتن پارادایم‌های متنوع، برای محققان حوزوی نیز جالب توجه بود. تأسیس دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های حوزوی نشان می‌دهد که این



می‌شود که آیا در حوزه کنونی، اسلام به‌طور کامل مطرح، تحقیق و تبیین می‌شود و همه زوایای آن در منظر و پیشگاه مردم قرار دارد؟ آیا فقه که بیشترین فرصت‌ها و امکانات علمی حوزه بدان اختصاص دارد و وظیفه آن، نشان دادن قدر متیقن تکلیف و برنامه رفتاری مردم است، به‌طور همه‌جانبه در اختیار مردم گذاشته شده است؟ حتی اگر وظیفه نظریه‌پردازی و ارائه نظامات بر عهده فقه نباشد و تنها بخواهد به ارائه تکلیف مردم بپردازد، آیا فقه موجود برای همه حیطه‌های رفتاری انسان‌ها راهی مشخص کرده است؟ آیا همه ابعاد فقه هنر، فقه توسعه، فقه انتخابات، فقه دریاها و غیره به

جامعه، نخبگان و دست‌اندرکاران ارائه شده است؟ ارائه تکلیف باید به طریق پژوهش اجتهادی انجام گیرد و پژوهشگران با اختصاص فرصت اجتهاد کرده احکام را منقح و مشخص کنند. همین ضرورت در حوزه اخلاق، کلام و اعتقادات نیز وجود دارد. امام خمینی (ره) در کتاب پرارزش ولایت فقیه که در دوران تبعید ایشان و دوری روحانیت از عرصه قدرت و حکومت نوشته شده،

بخش از حوزه‌های علمیه به مقوله‌هایی چون پژوهش توجه جدید دارند، اما باید دید تاکنون چه میزان توانسته‌اند محققان حوزوی را از تحقیقات خرد سنتی به پژوهش‌های کلان جدید فراخوانند.

دکتر نجف لکزایی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در گفت‌وگو با مجله حوزه پیرامون مسئله امکان و امتناع پژوهش در حوزه، به سهم و جایگاه پژوهشگاه در سامان دادن به پژوهش‌ها و تحقیقات حوزوی پرداخته است:

● **با توجه به سنت دیرین و متداول حوزه در تحقیق و مطالعه و متفاوت بودن آن با آنچه امروز از آن به پژوهش تعبیر می‌شود، آیا پژوهش مصطلح در حوزه جایگاهی دارد؟**

- فلسفه وجودی حوزه علمیه، معرفی کامل و تام و تمام اسلام به جامعه و جهان است. اگر معرفی کامل دین از رسالت‌های اصلی حوزه است، این سؤال مطرح

چنین گفته‌اند:

«اسلام را عرضه بدارید... اگر اسلام را معرفی نمایید و جهان‌بینی (عقاید) و اصول و احکام و نظام اجتماعی اسلام را به مردم بشناسانید، با اشتیاق کامل از آن استقبال می‌کنند. خدا می‌داند که خواستاران آن بسیارند. من تجربه کرده‌ام، وقتی کلمه‌ای القا می‌شد، موجی در مردم ایجاد می‌گردید.»<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی‌شان در سفر به بجنورد در سال ۱۳۹۱، رسیدن به تمدن

اسلامی را مدیون سبک زندگی اسلامی و عقل معاش دانستند و سبک و شیوه زندگی را بخش حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی شمردند و در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب‌وکار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف اشاره کردند و در این باره چندین سؤال مهم و کاربردی مطرح کردند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطر نشان کردند که «در این زمینه باید همه به خود نهیب بزیم و ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جست‌وجوی راه‌های علاج بپردازیم». لذا باید تبیین شود که سبک زندگی جزو اسلام است یا نه. اگر هست، دعوت مردم به عمل به سبک زندگی اسلامی، نیاز به تبیین، پژوهش و تحقیق دارد.

دومین مسئله آن‌که اگر در بعد موضوع‌شناسی بخواهیم در ساختن جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، مشارکت داشته باشیم و آن را دینی کنیم، نیازمند به تحقیق و پژوهش هستیم. لذا باید بدانیم وضعیت دین‌داری و بی‌دینی در جامعه و سطح جهان چگونه است و چه عواملی باعث اقبال مردم به دین و چه عواملی موجب دین‌گریزی مردم می‌شود و چگونه می‌توان دنیا را ساخت و روند حاکم بر جهان چه

در تحقیقات کتابخانه‌ای هم کمبود وجود دارد ولی تحقیقات میدانی در شرایط بحرانی قرار دارد و در حد ضرورت نیز تحقیق میدانی وجود ندارد.

از منظر دیگر، اگر تحقیقات را به تحقیقات نظریه‌پردازانه، گردآوری و ترویجی تقسیم کنیم، سهم پژوهش‌های نظریه‌پردازانه و جدید، اندک است.

آینده‌ای را برای مردم دنیا رقم می‌زند و چه کسانی سفره‌های جهانی را گسترده‌اند. روشن است که سفره‌ها و تغذیه‌های فکری و اجتماعی، کار ما نیست و دست‌آورد غرب است و ما بر سر این سفره آماده نشسته‌ایم. اینترنت، سازمان‌های مهم اقتصادی مانند سازمان تجارت جهانی و سازمان شانگهای، حقوق و سازمان‌های حقوقی بین‌المللی مانند سازمان حقوق بشر در اختیار غرب است.

علم‌سنجی جهانی نیز دست آنان است و ما باید ظرفیت‌ها، فرصت‌ها

و تهدیدها را بشناسیم. آنان شاکله امنیت را نیز از طریق شورای امنیت در اختیار گرفته‌اند. ما که خود را منتظر حکومت جهانی واحد و دولت حضرت مهدی (عج) می‌دانیم، باید زمینه‌های آن را فراهم سازیم و راه‌کارهای مبارزه با ظلم و نظام سلطه را پیدا کنیم. این‌ها همه نیاز به پژوهش دارد. نتیجه آن‌که مشارکت در ساختن فرد و جامعه، نیازمند پژوهش و کندوکاو است.

سومین موضوعی که پژوهش را واجب می‌سازد، نفی سلطه است. آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»<sup>۲</sup> هرگونه سلطه و سیطره کفار بر جامعه اسلامی را نفی کرده و جامعه ایمانی را به استقلال و عزت اسلامی دعوت کرده است. برای رفع سیطره دیگران بر خود، نیازمند تحقیق و پژوهش هستیم. امیرمؤمنان (ع) نیز فرموده‌اند: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلٌ عَلَيْهِ»<sup>۳</sup>. یعنی دانش قدرت است و هرکس آن را به دست آورد، حکومت و اقتدار پیدا می‌کند و گرنه دیگران بر او سلطه پیدا می‌کنند. روشن است که ضرورت رسیدن به قله‌های دانش و فناوری و قدرت، استقلال، امنیت و در یک کلمه حسنات دنیا و آخرت، نیازمند تحقیق و پژوهش است.

در روایات از جهالت به‌عنوان عامل اصلی بدبختی بشر یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) به امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ وَلَا مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ»<sup>۴</sup>. پیامبران آمده‌اند تا نادانی و کمبودهای

بشریت را برطرف کنند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ».<sup>۵</sup> انبیا برای اصلاح انگیزه‌ها و رفتارها و به سامان آوردن انحرافات که بشر به آن گرفتار است، برانگیخته شده‌اند. برطرف کردن جهالت نظری و فکری بدون تحقیق حاصل نمی‌شود و تهذیب افراد و جامعه نیز نیازمند تحقیق است. پژوهش و تهذیب با یکدیگر در تعاملند. پژوهش به تهذیب اخلاق در جامعه کمک می‌کند. افراد مهذب به وسیله پژوهش به گسترش علم و دانش در جامعه کمک می‌کنند. به‌طور خلاصه، دستیابی به راه‌های دین‌داری و گسترش ارزش‌های اخلاقی در جامعه و فهم نشانه‌های دین‌داری، نیازمند تحقیق و کندوکاو است.

● **امروزه وضعیت پژوهش در حوزه چگونه است؟ آیا انتظارات از پژوهش برآورده شده و در وضعیت مطلوبی قرار دارد یا نیازمند طراحی‌های راهبردی است؟**

- با نگاهی به تحقیقات عام حوزه و نهادهای پیرامونی آن، از منظرهای مختلفی می‌توان به این پرسش پاسخ داد. از دید تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی، عمده پژوهش‌ها، کتابخانه‌ای است و حجم آن بیش از تحقیقات میدانی است. اصطلاح «میدانی» به مفهوم ارتباط مستقیم و رویاروی محقق با پدیده‌های مورد مطالعه و مشاهده و تجربه عینی آن است. این در حالی که مسائل نیاز به تحقیق و ابهام‌زدایی، موضوع‌شناسی و تحقیق میدانی، بیش از تحقیق کتابخانه‌ای است و مسئولیت حوزویان در این حیطه بیشتر است. مثلاً اگر بپرسیم وضعیت میدانی دین‌داری در جهان چگونه است خواهیم دید که درباره آن کاری انجام نداده‌ایم. یا در خصوص نقش مساجد در دین‌داری مردم در ایران کاری میدانی صورت نگرفته است. از این‌گونه است وضعیت امنیت

در جهان اسلام، شکل‌گیری داعش و این‌که چرا با آن همه توصیه‌های قرآن و سنت به رفتار رؤفانه با مردم، باز خشونت در میان پاره‌ای از دین‌داران وجود دارد؟ همین‌طور در خصوص شاخه‌های جامعه و حکومت دین‌دار و این‌که در جامعه کنونی ما چه مقدار از این شاخه‌ها وجود دارد و چگونه می‌توان دین‌داری و ارزش‌های دینی را ترویج کرد، کاری صورت نگرفته است. هم‌چنین گرایش‌های سیاسی دین‌داران، اینکه دین‌داران در انتخابات چگونه رأی می‌دهند و رأی آنان مبتنی بر چیست، از همین قبیل است. در چنین پرسش‌هایی پاسخی متکی به پژوهش‌های میدانی نداریم و تحقیقات اندکی صورت گرفته است. این مسئله دلایل گوناگونی دارد. هزینه بالا، دشواری کار، منابع انسانی و آموزش دیده و متخصص اندک، از دلایل آن است. البته در تحقیقات کتابخانه‌ای هم کمبود وجود دارد ولی تحقیقات میدانی در شرایط بحرانی قرار دارد و در حد ضرورت نیز تحقیق میدانی وجود ندارد.

از منظر دیگر، اگر تحقیقات را به تحقیقات نظریه‌پردازانه، گردآوری و ترویجی تقسیم کنیم، سهم پژوهش‌های نظریه‌پردازانه و جدید، اندک است. از نگاهی دیگر، تحقیقات و پژوهش‌های تکراری نسبت به تحقیقات نوپدید بیشتر است. مثلاً به جهت سهولت و نیاز به مطالعه کمتر، گرایش استادان در امر تدریس به موضوعات مبتنی بر متن بیشتر است تا مباحث نظریه‌پردازی که هم دشوار و وقت‌گیر است و هم نیازمند به نقد و نظر و شناخت مسائل جدید.

هم‌چنین اگر پژوهش‌ها را به تطبیقی، مقایسه‌ای و پژوهش‌های غیرتطبیقی تقسیم کنیم، درصد پژوهش‌های غیرتطبیقی به‌مراتب بیشتر از تحقیقات مقایسه‌ای است، در حالی که پژوهش مقایسه‌ای از اتقان بیشتری برخوردار است. مثلاً اگر در فقه سیاسی یا فلسفه سیاسی بخواهیم نظریات رایج در جهان اسلام را بررسی و نظر خود را اعلام کنیم، نیازمند بررسی همه

اصولاً یکی از اشکالات عمده پژوهش آن است که زیرساخت‌های آموزشی پژوهش مطلوب نیست حتی درس خارج حوزه، کمتر با پژوهش سروکار دارد. استاد تحقیق می‌کند و حاصل کار خود را به شاگردان ارائه می‌دهد. حال آنکه این، هدف درس خارج و سطح عالی نیست.

نظرات هستیم و بدون مقایسه ضعف و قوت‌ها نمی‌توان به نتیجه رسید. معنای سخن آن است که خودمان بازی کنیم و مسابقه دهیم. گفت‌وگویی در میان نیست و یا اندک است. بدین جهت باید ارتباط جهانی داشته باشیم تا به پرسش‌ها پاسخ بدهیم. به هر حال اندک بودن تحقیق مقایسه‌ای، مشکلات خود را ایجاد کرده و از اتقان کار کاسته است.

اگر از افقی دیگر پژوهش‌ها را به پژوهش‌های فردی و اجتماعی

تقسیم کنیم، بیشتر تحقیقات علمی حوزه علمیه ناظر به تحقیق فردی است و تحقیقات کل‌نگرو ناظر به وضعیت کلی دین‌داری در جامعه و با وضعیت انتظامات جامعه دینی اندک است. البته اندکی در مسائل کلی اندیشه ولایت فقیه در حوزه نظام سیاسی اسلام کار شده و تحقیقاتی نیز درباره نظام اقتصادی به انجام رسیده ولی هنوز در همه مراحل مشکلاتی وجود دارد. مشکلات بانکی ناشی از عدم مطالعه سیستمی و نظام‌مند در اقتصاد است و تحقیقات تئوریک راهبردی ناظر به حل مسائل، اندک است.

در تقسیم‌بندی دیگر، اگر پژوهش‌ها را به پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و راهبردی تقسیم کنیم، تعداد تحقیقات بنیادی بیشتر است. تحقیقات بنیادی یعنی مطالعات، قطع نظر از افراد و طبقه خاص. تحقیقات کاربردی نیز یعنی تحقیقاتی که ملموس است و قابلیت اجرا دارد. تحقیقات راهبردی نیز در حوزه گروه‌های ویژه مانند کودکان، زنان و جوانان صورت می‌پذیرد. شناسایی نقطه‌های کور و خلأها بر عهده این دست مطالعات است.

اگر رسانه و هنر نیز به بحث کاربردی پژوهش اضافه کنیم، اوضاع وخیم‌تر می‌شود. ما وظیفه داریم معارف اسلامی را به زبان ادب و هنر ارائه دهیم و اگر حوزه فیلم، هنر و پویانمایی را به تحقیقات خود بیفزاییم، باز با واقعیت‌ها بسیار فاصله داریم. ما در ساخت فیلم‌های

هم‌اکنون هیچ‌یک از کانون‌های استنادی دنیا کارکردهای حوزه را نمایه نمی‌کنند و حوزه خود نیز به دنبال نمایه کردن تولیدات خود نرفته است. حتی پایگاه علم‌سنجی شیراز که جمهوری اسلامی ایران برای علم‌سنجی در جهان راه‌اندازی کرده است، از پژوهش‌های حوزه بی‌خبر است و حوزه نیز خود را از طریق این پایگاه معرفی نکرده است.

دینی ضعف‌های بسیاری داریم. فراتر از این، حتی درباره مسائل ضروری و درجه اول مانند تاریخ اسلام و زندگی معصومان و متونی که در اختیار کارگردان قرار می‌گیرد، کمتر کار کرده‌ایم. منظورم کارهایی مانند کتاب «داستان راستان» شهید مطهری که متون را استخراج کرده و بدون آنکه در محتوا تغییری دهد، آن را به زبان روز عرضه کرده است؛ به‌گونه‌ای که هم برای خواص قابل استفاده است و هم برای عموم. خود شهید مطهری نیز یادآور شده بودند که این کار را برای عوام

انجام داده‌اند. ما نیز باید محتوا را برای افشار گوناگون ساده‌نویسی کنیم. ساده‌نویسی غیر کار ساده است و اهمیت این کار از کار بنیادی کمتر نیست. شهید مطهری در مقدمه کتاب «داستان راستان» از برخی شکوه کرده است که می‌گفتند چرا کارهای پراهمیت‌تر را رها کرده و به این کار پرداخته است. ایشان نیز پاسخ داده‌اند این کار هم مهم است. این کار نیز نوعی پژوهش است ولی از جنس کاربردی، مانند «دانشنامه قرآن» مرکز فرهنگی دفتر تبلیغات که در چهار جلد برای کودکان آماده شده و شامل تفسیری است از قرآن برای دانش‌آموزان. افزون بر دشوار بودن نفس کار و تنظیم محتوا، چاپ آن نیز دشوارتر از بقیه متون است، چون نیازمند تصویر، سبک و ویرایش خاص و پرجاذبه است و در این حوزه، عرصه فضای مجازی کاربرد دارد.

تحقیقات راهبردی نیز در حال حاضر باید ناظر به وضعیت اسلام، مسلمانان و شیعیان در سراسر جهان باشد. باید بدانیم وضع موجود و وضع مطلوب چگونه است. اطلاعات ما از جهان اسلام باید مبتنی بر پژوهش باشد تا بتوانیم به گسترش و انتقال اندیشه‌های خود کمک کنیم. برای انتقال اسلام به کشورهای خاص، نیازمند بررسی وضع موجود و نیازها هستیم. باید وضع مطلوب و مقدور برای مسلمانان در آن کشور را بفهمیم و سپس پیشنهاد تحقیقات بنیادی بدهیم. باید بدانیم سهم هریک از مباحث در این عرصه چقدر است و در

جامعه‌ای که سطح آگاهی آنان نسبت به اسلام اندک است، چه مباحثی را ارائه کنیم و آیا اولویت با کلام است یا فقه. در حوزه اجرا نیز باید دید چه باید کرد. باید جایگاه اعزام مبلغ، تهیه بسته‌های فرهنگی، تأسیس حوزه‌های علمیه و تأسیس کتابخانه در حوزه تحقیقات راهبری مشخص شود. گاه در مدرسه یا حوزه‌ای ظرفیت برای پذیرش طلبه موجود است و ما در آن منطقه به ساخت مدارس جدید اقدام می‌کنیم.

تحقیقات راهبردی، هم وضعیت موجود را روشن می‌کند و

هم وضعیت مطلوب و مقدر (و نه آرمانی) را. هم چنین تحقیقات راهبردی به اولویت‌بندی و بررسی امکانات آن هم نه در سطح ایران بلکه در سطح جهان می‌پردازد؛ چراکه رسالت حوزه، اجرای دین است.

از منظری دیگر، پژوهش‌های حوزه غالباً خردنگر است نه کلان‌نگر. تحقیقات، بیشتر پیرامون ایران و شیعه دور می‌زند و مخاطبان آن محدودند.

● **به لحاظ روشی پایان‌نامه‌های حوزه علی‌رغم تحول موجود، از نظر روش ناقص است و علی‌رغم مطالب زیادی که در خود دارد، نتیجه مطلوب را به دست نمی‌دهد. چرا این‌گونه است؟**  
این آسیب، ریشه در آموزش پژوهش دارد.

● **آیا می‌توان ادعا کرد که نظام آموزشی حوزه پژوهش محور است و یا با پژوهش فاصله دارد؟**

اصولاً یکی از اشکالات عمده پژوهش آن است که زیرساخت‌های آموزشی پژوهش مطلوب نیست حتی درس خارج حوزه، کمتر با پژوهش سروکار دارد. استاد تحقیق می‌کند و حاصل کار خود را به شاگردان ارائه می‌دهد. حال آنکه این، هدف درس خارج و سطح عالی نیست. این کار، نیمی از هدف است. هدف اصلی در تحصیلات تکمیلی، راهنمایی طلبه برای رسیدن به مرحله اجتهاد است. طلبه باید تحقیق کند و یافته‌های

اگر در بعد موضوع‌شناسی بخواهیم در ساختن جامعه و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، مشارکت داشته باشیم و آن را دینی کنیم، نیازمند به تحقیق و پژوهش هستیم. لذا باید بدانیم وضعیت دین‌داری و بی‌دینی در جامعه و سطح جهان چگونه است و چه عواملی باعث اقبال مردم به دین و چه عواملی موجب دین‌گریزی مردم می‌شود.

خود را به استاد نشان دهد و استاد نیز محقق را راهنمایی کند. در شیوه تدریس فعلی، همه زحمات بر دوش استاد است و با سطح، تفاوت زیادی ندارد. طلبه تنها متوجه تفاوت دیدگاه‌های استاد با دیگران می‌شود. البته اخیراً در برخی درس‌های خارج، اتفاقاتی افتاده و اساتید جوان در این باره کارهایی انجام داده‌اند ولی این محدود است و در غالب حوزه شاهد این وضعیت نیستیم و پایان‌نامه‌ها نشان‌دهنده این وضعیت است.

افزون بر آن، گاه هم طلبه و هم استاد مشکل روش تحقیق دارند

و استاد به جای مشاوره و راهنمایی، مطلب در اختیار شاگرد می‌گذارد.

ما آموزش پژوهش را حتی در دروس روشی حوزه تعریف نکرده‌ایم و هدف آموزشی از این درس برای طلبه روشن نیست. طلبه درس روش منطق را می‌خواند ولی نمی‌داند چرا. اصول فقه، روش تحقیق در فقه است ولی طلبه نمی‌داند این درس چه کاربردهایی دارد. درس رجال و درایه نیز تبدیل به دانشی مستقل شده‌اند نه طریق.

● **نهادها و کانون‌های پژوهش پیرامون حوزه چقدر به ارتقای پژوهش حوزه کمک کرده‌اند؟**

این نهادها گرچه کم‌تعداد هستند اما ارزشمندند و باید از آنان تقدیر و تشکر کرد. وجود، گسترش و ارتقای این نهادها ضروری است؛ چون در حال حاضر تحقیقات شخصی در موارد محدود امکان‌پذیر است و در حوزه نیز رواج دارد و این تصور در میان حوزویان وجود دارد که شخص، پروژه‌ای را تعریف و پیرامون آن تحقیق می‌کند و آن را به اجرا می‌گذارد. در حالی که کارهای بزرگ و جدی را باید یک نهاد و سازمان متکفل گردد و صدها محقق بر روی آن کار کنند تا پژوهش به انجام برسد. الان دائره‌المعارف قرآن در همین مرکز با حضور صدها پژوهشگر در حال تکمیل است. در گذشته که حوزه

در این عرصه غایب بود، دیگران برای ما دایره‌المعارف می‌نوشتند؛ چراکه دارای تشکیلات و سازمان پژوهشی بودند. سازمان پژوهش ناشدنی را شدنی می‌کند و ظرفیت‌ها را افزایش می‌دهد. این سازمان‌های پیرامونی امکاناتی را فراهم کرده‌اند تا بتوان پژوهشگرانی را دور هم جمع کرد و کاری را که نمی‌توان از یک فرد انتظار داشت، به وسیله آنان انجام داد.

از آسیب‌های پژوهش‌های حوزوی، فردی بودن آن است. از این رو کارها کم‌تر نتیجه‌بخش است و الان در حوزه‌های مختلف، تک‌نگاری‌های فراوان داریم. در حوزه اقتصاد تک‌نگاری‌های بسیاری داریم ولی کارها در حد مطلوب نیست؛ چون اقتصاد، موضوعی نیست که فرد بتواند به تنهایی نظام اقتصاد اسلامی ارائه دهد. حتماً باید یک تیم پژوهشی برای انجام آن شکل گیرد تا دانش، بین‌الاذهان باشد و این تفکر زمینه ترویج پیدا کند و مقالات پژوهشی بتواند به رشد ادبیات کمک کند.

حوزه فعلاً هیچ مطالبه‌ای از این نهادها ندارد؛ نه مطالبه آموزش و نه پژوهش. نهادها نیز با هم بی‌ارتباط هستند. ما به عنوان نهادی پژوهشی به حوزه اعلام کرده‌ایم که می‌توانیم در آموزش پژوهش به حوزه کمک کنیم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دارای هیئت علمی است و آنان می‌توانند به عنوان اساتید روش تحقیق در خدمت فضایی حوزه باشند. موفقیت این نهادها در آن است که گرایش به پژوهش در حوزه جدی‌تر شود و دایره پژوهش ارتقا پیدا کند. البته این شکوه‌ها به معنای انکار پیشرفت پژوهش در حوزه نیست و حوزه در مقایسه

آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» هرگونه سلطه و سیطره کفار بر جامعه اسلامی را نفی کرده و جامعه ایمانی را به استقلال و عزت اسلامی دعوت کرده است. برای رفع سیطره دیگران بر خود، نیازمند تحقیق و پژوهش هستیم.

با گذشته و پیش از انقلاب بسیار تغییر کرده است. مجلات پژوهشی، همایش‌های علمی و تحقیقات مفیدی در حوزه انجام شده و می‌شود ولی باید به طور مداوم وضع موجود را آسیب‌شناسی کرد و سخنان ما نیز در ارتباط با انتظارات و وضع مطلوب است. با توجه به فرصتی که انقلاب اسلامی در اختیار ما گذاشته است و جان‌فشانی شهدا در این راه و انتظار جهان از ما، فاصله ما تا تأمین این نیازها

زیاد است و کارهای زیادی در ایران و جهان بر زمین مانده است و انجام آن بدون پژوهش ممکن نیست. باید مراکز پژوهشی و حوزه‌ها ارتباط سازمان یافته داشته باشند و هم‌افزایی کنند.

● **با توجه به مسئولیت جناب‌عالی در پژوهشگاه علوم اسلامی و مسئولیت‌تان در اجرای پروژه‌ها، درباره عملکرد این مرکز در راستای این مسئولیت و راه حل شما برای چالش‌های یاد شده نکاتی بفرمایید.**

ما در این مرکز دو شعار راهبردی داریم: اول این‌که هدف اصلی ما در حوزه علوم اسلامی، توانمندسازی علوم اسلامی است. علوم اسلامی با تلاش‌های پی‌گیر علما در طول تاریخ به دست ما رسیده است و دانش‌های کلام، فقه، فلسفه، درایه و تاریخ اسلام شکل گرفته است. کار عمده ما، توانمندسازی این دانش‌ها است. «مدیریت دانش» از مباحثی است که در پژوهشگاه در خدمت این هدف قرار گرفته است. تدوین اصطلاح‌نامه برای هریک از علوم اسلامی، نخستین قدم در این راه است. حدود نه اصطلاح‌نامه به همت دوستان در دست تدوین است. هم‌اکنون اصطلاح‌نامه

اگر پژوهش‌ها را به تطبیقی، مقایسه‌ای و پژوهش‌های غیرتطبیقی تقسیم کنیم، درصد پژوهش‌های غیرتطبیقی به مراتب بیشتر از تحقیقات مقایسه‌ای است، در حالی که پژوهش مقایسه‌ای از اتقان بیشتری برخوردار است. مثلاً اگر در فقه سیاسی یا فلسفه سیاسی بخواهیم نظریات رایج در جهان اسلام را بررسی و نظر خود را اعلام کنیم، نیازمند بررسی همه نظرات هستیم و بدون مقایسه ضعف و قوت‌ها نمی‌توان به نتیجه رسید.

فقه پژوهشگاه با حدود ۶۰ هزار اصطلاح تدوین شده است. اگر پژوهشگری در عرصه فقه اصطلاح جدیدی تولید کند، به این اصطلاح‌نامه اضافه می‌شود. فرهنگ‌نامه این علوم نیز کار شده است. از جمله فرهنگ‌نامه اصول فقه که منتشر شده است. معنای این کار، توانایی در تبیین مرزهای دانش در این حوزه است. این فعالیت‌ها به شکل آنلاین هم عرضه شده است و هم محققین بدان دسترسی دارند. پژوهشگر با مراجعه به آن می‌تواند در زمانی کوتاه به اصطلاح، سابقه و منابع

آن دست پیدا کند. در اصطلاح‌نامه نیز با گسترده‌ای بیشتر به اطلاعات مربوط به اصطلاحات دست پیدا می‌کند و معلوم می‌شود که تلاش محقق چقدر بر این دانش افزوده است.

دائرةالمعارف قرآن کریم از دیگر محصولات پژوهشگاه است. در پژوهشکده قرآن، اقدامات مفیدی در دست انجام است و برای پژوهشگرانی که می‌خواهند در حوزه مسائل انسانی از قرآن کریم بهره‌گیرند، بسیار سودمند است. در پژوهشکده حقوق، بر روی مسائل جدید کار می‌شود. در پژوهشکده تاریخ و سیره، درباره تاریخ و سیره اهل بیت (ع) تحقیق می‌شود. در پژوهشکده اخلاق و تربیت، در موضوعات اخلاق و تربیت اسلامی کار می‌شود. در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، نظام سیاسی اسلام با رویکردی جدی کندوکاو می‌شود. در اسلام تمدنی نیز مطالعه و پژوهش‌هایی انجام می‌شود و معارف اسلامی با رویکرد تمدنی آن مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد. در پژوهشکده مرکز مطالعات اجتماعی و تمدنی نیز بیشتر تحقیقات ناظر به صحنه عمل و میدان‌های عینی به انجام می‌رسد. پروژه دین‌داری در سطح ایران و جهان از موضوعات کلان و کلیدی این مرکز است. بحث روحانیت و وظایف و نقش راهبری آن هم از موضوعات بسیار مفید و مؤثر در زمینه گفت‌وگو در جهان است که مطالعاتی در این باره در این مرکز در حال انجام

بیشتر تحقیقات علمی حوزه علمیه ناظر به تحقیق فردی است و تحقیقات کل‌نگر و ناظر به وضعیت کلی دین‌داری در جامعه و یا وضعیت انتظامات جامعه دینی اندک است. البته اندکی در مسائل کلی اندیشه ولایت فقیه در حوزه نظام سیاسی اسلام کار شده و تحقیقاتی نیز درباره نظام اقتصادی به انجام رسیده ولی هنوز در همه مراحل مشکلاتی وجود دارد.

است.

در حوزه فلسفه و کلام نیز پروژه‌های مقایسه‌ای فلسفه اسلامی با فلسفه غرب انجام شده است که در توانمندسازی این دانش، نقش‌آفرین است. از جمله آن‌ها، پروژه نفس و بدن است.

در پژوهشکده مهدویت هم فعالیت‌های سودمندی خصوصاً درباره آسیب‌شناسی مهدویت انجام گرفته است. خلاصه آن‌که در توانمندسازی علوم اسلامی می‌توانیم به حوزه کمک کنیم و از نظر مدیریت دانش، در شناساندن جایگاه علمی حوزه به

جهان به کمک حوزه بیاییم. امروزه مراکزی با عنوان کانون‌های علم‌سنجی در سطح جهان وجود دارد که با ثبت علمی تولید دانش، به آن رسمیت می‌بخشند و اگر شما دانش تولیدی خود را در آن ثبت نکنید، دنیا به عنوان دانش معتبر به شما نگاه نمی‌کند. آنان برای دانش معتبر ابزارهایی در اختیار دارند که از جمله آن‌ها همین پایگاه‌های علم‌سنجی است. هم‌اکنون هیچ‌یک از کانون‌های استنادی دنیا کارکردهای حوزه را نمایه نمی‌کنند و حوزه خود نیز به دنبال نمایه کردن تولیدات خود نرفته است. حتی پایگاه علم‌سنجی شیراز که جمهوری اسلامی ایران برای علم‌سنجی در جهان راه‌اندازی کرده است، از پژوهش‌های حوزه بی‌خبر است و حوزه نیز خود را از طریق این پایگاه معرفی نکرده است. البته پژوهشگاه با این کانون ارتباط دارد و دو سال است که تولیدات خود را در آن ثبت می‌کند. ما می‌توانیم این کار را در سطح پایان‌نامه‌های حوزه انجام دهیم ولی حوزه از این فرصت استفاده نکرده است. ما شبیه «drandoc»<sup>۷</sup> که پایگاه پایان‌نامه‌های مربوط به ایران است، «Islamdoc» را طراحی کرده‌ایم و بیش از ده هزار پایان‌نامه مرتبط با جهان اسلام در آن نمایه شده است. تعدادی از این مقالات نیز مرتبط به حوزه است. در جلسه‌ای که خدمت ریاست محترم حوزه‌های علوم دینی رسیدم، حمایت خود از این طرح‌ها را اعلام کردیم.



بخش دوم کارنامه پژوهشگاه، بومی‌سازی علوم اسلامی است. در این مرکز، علوم اسلامی را مناسب با نیازها و مبانی دینی خودمان بازسازی و ارائه می‌کنیم. از کارهای سودمند ما در این عرصه، حکمت متعالیه است. البته پژوهشگران مان در حوزه سیاسی، «علوم سیاسی حکمت متعالیه» را به جامعه علمی پیشنهاد کرده‌اند و کارهای مفصل و خوبی در این حوزه در دست انجام است. بخشی از اقدامات پژوهشگاه معطوف به اسلامی‌سازی علوم اسلامی است. به نظر ما اگر توانمندسازی به درستی انجام شود، زیرساخت‌ها برای بخش دوم فراهم می‌شود و پژوهشگران در بخش‌های مختلف علوم دینی با بهره‌گیری از این ظرفیت و با استفاده از امکانات موجود و کمک‌های مقام معظم رهبری می‌توانند جهش داشته باشند؛ چنان‌که مقام معظم رهبری از آن به جنبش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری تعبیر کردند. از دیگر اقدامات مهم پژوهشگاه، جدی گرفتن برگزاری کرسی‌های علمی-ترویجی و تحقیقی است.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. ولایت فقیه، ص ۱۳۳.
۲. سوره نساء، آیه ۱۴۱.
۳. شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ح ۳۱۹.
۴. کافی ج ۱، ح ۲۵.
۵. سوره جمعه، آیه ۲.
۶. سخنان شهید مطهری در پاسخ به منتقدان چنین بود: «از ذکر این نکته نیز نمی‌توانم صرف‌نظر کنم که در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستان‌ها بودم، بعضی از دوستان ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی این کتاب، از این‌که من کارهای به عقیده آن‌ها مهم‌تر و لازم‌تر خود را موقتاً کنار گذاشته و به این کار پرداخته‌ام، اظهار تأسف می‌کردند و ملامت می‌نمودند که چرا چندین تألیف علمی مهم را در رشته‌های مختلف به یک سو گذاشته‌ام و به چنین کار ساده‌ای پرداخته‌ام. حتی بعضی پیشنهاد کردند که حالا که زحمت این کار را کشیده‌ای، پس لاقلاً به نام خود منتشر نکن! من گفتم چرا؟ مگر چه عیبی دارد؟ گفتند اثری که به نام تو منتشر می‌شود، لاقلاً باید در ردیف همان اصول فلسفه باشد. این کار برای تو کوچک است. گفتم مقیاس کوچکی و بزرگی چیست؟ معلوم شد مقیاس بزرگی و کوچکی کار در نظر این آقایان مشکلی و سادگی آن است و کاری به اهمیت و بزرگی و کوچکی نتیجه کار ندارند. هر کاری که مشکل است، بزرگ

است و هر کاری که ساده است، کوچک. اگر این منطق و این طرز تفکر مربوط به یک نفر یا چند نفر می‌بود، من در این جا از آن نام نمی‌بردم. متأسفانه این طرز تفکر. که جز یک بیماری اجتماعی و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالیه اسلامی، چیز دیگری نیست. در اجتماع ما زیاد شیوع پیدا کرده. چه زبان‌ها را که این منطق نبسته و چه قلم‌ها را که نشکسته و به گوشه‌ای نیفکنده است. به همین دلیل است که ما امروز از لحاظ کتب مفید و مخصوصاً کتب دینی و مذهبی سودمند، بیش از اندازه فقیریم. هر مدعی فضلی حاضر است ده سال یا بیشتر صرف وقت کند و یک رطب و یابس به هم ببافد و به‌عنوان یک اثر علمی، کتابی تألیف کند و با کمال افتخار نام خود را پشت آن کتاب بنویسد، بدون آن‌که یک ذره به حال اجتماع، مفید فایده‌ای باشد؛ اما از تألیف یک کتاب مفید، فقط به جرم این‌که ساده است و کسر شأن است، خودداری می‌کند. نتیجه همین است که آن‌چه بایسته و لازم است، نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زائد و بی‌مصرف است، پشت سر یکدیگر چاپ و تألیف می‌گردد. چه خوب گفته‌خواجه نصیرالدین طوسی:

افسوس که آن‌چه برده‌ام باختنی است / بشناخته‌ها تمام نشناختنی است

برداشته‌ام هرآن‌چه باید بگذاشت / بگذاشته‌ام هرآن‌چه برداشتنی است

عاقبت الامر در جواب آن آقایان گفتم: این پیشنهاد شما مرا متذکر یک بیماری اجتماعی کرد و نه تنها از تصمیم خود صرف‌نظر نمی‌کنم، بلکه در مقدمه کتاب از این پیشنهاد شما به‌عنوان یک بیماری اجتماعی نام خواهم برد. بعد به این فکر افتادم که حتماً همان‌طور که عده‌ای کسر شأن خود می‌دانند که کتاب‌های ساده. هرچند مفید باشد. تألیف کنند، عده‌ای هم خواهند بود که کسر شأن خود می‌دانند که دستورها و حکمت‌هایی که از کتاب‌های ساده درک می‌کنند، به کار بندند.» (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۱۹۰-۱۹۱)

۷. مخفف مرکز اطلاعات و مطالعات علمی ایران. «فراهم‌آوری، سازمان‌دهی، ذخیره، حفظ، بازیابی، تحلیل و اشاعه اطلاعات و مدارک علمی و فناوری کشور و اطلاعات پشتیبان آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی»، «مدیریت تأمین و دسترسی پژوهشگران کشور به مدارک اطلاعات علم و فناوری خارج از کشور»، «پشتیبانی و مدیریت سامانه ملی مدیریت اطلاعات علم و فناوری» «مأموریت‌های اصلی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران را تشکیل می‌دهد. مرکز دارای سه بخش «مدیریت سازمان‌دهی و تحلیل اطلاعات»، «مدیریت حفظ و اشاعه اطلاعات» و «گروه ارتباطات و فراهم‌آوری» است.